

«برخاسته از خاکستر»

«نویسنده: مهلا نعمتی»

www.ketab.ir

انتشارات امید سخن

۱۴۰۰

سرشناسه: نعمتی، مهلا

عنوان و نام پدیدآورنده: برخاسته از خاکستر/ مهلا نعمتی

مشخصات نشر: تهران، انتشارات امید سخن، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۴-۷۶-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR۸۳۶۲

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۱۴۸۹



برخاسته از خاکستر

مؤلف: مهلا نعمتی

طراح جلد: سعیده رزاقی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۴-۷۶-۴

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

چاپ: انتشارات امید سخن

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

و قراقرات: تهران، سارخان، نرسیده به میدان توحید، روبروی

کوثر دوم - پلاک ۷۳ - طبقه سوم

«مقدمه»

لای پنجره‌ی اتاق باز است نسیم خنک بهاری لابه‌لای موهای بلندش می‌پیچد، جلوی آینه‌ی زنگارگرفته ایستاده با غرور جلال گرد صورت سفید خود را در دل تحسین می‌کند، چشمان درشت و سیاهش چون دُر می‌درخشد. شوقی در رگ‌های صورتش می‌جوشد و رنگ گونه‌هایش را به سرخی می‌گراید. ماتیک قرمز را برمی‌دارد چون اناری به دانه‌های لبش می‌پاشد. با گوشه‌ی انگشت زیادی آن را برمی‌دارد. دود غلیظ اسپند، اتاق را در هاله‌ای از مه فرو برده،

النوش اسپنددان را مدام دور سرش می‌چرخاند و فوت می‌کند. شال مונجوق دوزی شده‌ی زرشکی‌اش را روی شانه انداخته و اندام درشت خود را نفس‌نفس‌زنانه به این‌سو و آن‌سو می‌کشانند

آویز گردنبند اشرفی که برای پیشکشی سر سفره عقد کنار گذاشته بود را هر از گاهی چک می‌کرد و در جعبه می‌گذاشت.

به جای شور و هیجان قبل از عقد در دل هر نو عروس در دل آهو اضطراب و دل‌شوره موج می‌زند

روسری حریر شیری رنگش را سر کرد، به ساعت دیواری نگاهی انداخت، صدای پاشنه‌ی بلند عقربه‌ها روی سینه‌ی عده‌ها می‌رقصید و موجی از اضطراب و هیجان به راه می‌انداخت. دلهره همچون ماری به پای دلش می‌پیچید. انگار در دلش رخت می‌شستند، خط محوی از تصاویر مبهم خاطرات تلخ، روی صفحه‌ی سفید ذهنش نشسته بود و دل‌شوره همچون طناب سستی افزار اشتیاق قلبش را به هرطرف می‌کشاند. از این گوشه به آن گوشه‌ی اتاق می‌خزید و کنار لب‌هایش را می‌جوید.

نگاهی سرسری به النوش انداخت، با عجله کلمات را سوار هم کرد: چرا نیامد؟.. النوش: میاد جانم نگران نباش، حتماً توی ترافیک مونده.